

مراحل تربیت دینی فرزند با تأکید بر سیره قولی

و عملی پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

□ محمد الله مسلمی *

چکیده

این تحقیق با موضوع مراحل تربیت دینی فرزند با تکیه بر سیره قولی و عملی پیامبر اکرم (ص) انجام گرفته است. روش تحقیق در این پژوهش روش کتابخانه‌ای و توصیفی - تحلیلی است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد پیامبر اکرم (ص) به عنوان رهبر و هادی جامعه اسلامی توجه خاصی به فرزندان داشته و بر تربیت دینی و مذهبی آنان اهتمام ویژه دارد. براساس دیدگاه پیامبر اکرم (ص) مراحل تربیت دینی نظیر همسرگزینی، مباشرت، دوران جنین، دوران شیرخوارگی و در شکل‌گیری شخصیت دینی و اعتقادی کودکان نقش به‌سزایی دارد از این رو برای هر مرحله وظایف خاص را بر عهده والدین گذاشته است. همچنین در سیره پیامبر اکرم از هفت سال اول کودکی به مرحله سروری و آقایی یاد شده است که باید مطیع فرزند باشیم. از هفت سال دوم به مرحله طاعت‌پذیری و حرف‌شنوی فرزند یاد شده است که مطیع والدین است و حرف‌شنوی او در این مرحله زیاد است. از هفت سال سوم به مرحله وزیر و مشاور تعبیر شده است که بایستی در کارها و برنامه‌های زندگی با او مشورت نمایی. همچنین در سیره پیامبر به یک سری اصول تربیتی توجه ویژه شده است که رعایت آن ما را در تربیت دینی فرزندان یاری خواهد کرد.

کلید واژه‌ها: تربیت، تربیت دینی، اصول تربیت و مراحل تربیت، سیره

مقدمه

از مسائل مهم و اساسی در امر نهادینه سازی تربیت به خصوص تربیت دینی، مرز بندی مراحل تربیت بر اساس ویژگی های روحی - روانی و جسمی متربی است. اینکه اصول و مراحل تربیت دینی فرزندان ضمن برخورداری از مشروعیت بر خرد انسانی و منطق استوار باشد، از دغدغه های دیرینه اندیشمندان و متفکران اسلامی در حوزه علوم تربیتی می باشد؛ زیرا فعالیت های تربیتی آنگاه به نتیجه مطلوب می رسد که فعالیت ها در قالب اصول و مراحل مطلوب اجرا گردد. برای رسیدن به این هدف مطالعه در سیره تربیتی معصومین (ع) ضروری به نظر می رسد. در این نوشتار اصول و مراحل تربیت دینی فرزندان در سیره قولی و عملی پیامبر اکرم (ص) مورد بررسی قرار می گیرد.

مطالعات در سیره قولی و عملی پیامبر اکرم (ص) نشان می دهد نبی مکرم اسلام (ص) بهترین و کارشناسانه ترین اصول و مراحل تربیت دینی را برای پیروان خود ارائه داده است که کشف و استفاده از آنها ما را در دینی بار آوردن فرزندان کمک خواهد کرد. در مورد پیشینه تحقیق لازم است ذکر شود هر چند در سیره تربیتی پیامبر اکرم (ص) و چگونگی برخورد آن حضرت با فرزندان مقالات و تحقیقات پراکنده انجام شده، اما به صورت تطبیقی تحقیق مستقل انجام نشده و هنوز هم جا برای تحقیقات بیشتر در این زمینه وجود دارد. به گونه ای که بتوان این یافته ها را در خانواده ها و مراکز تربیتی مورد استفاده قرار داد.

در مورد سیره تربیتی پیامبر اکرم (ص) در زمینه اصول و مراحل تربیت دینی فرزندان سوالات متعددی مطرح است که پاسخ آن از خلال این پژوهش بدست خواهد آمد:

۱- تربیت مذهبی فرزندان از نظر پیامبر اکرم (ص) چه قدر ضرورت داشته و سیره تربیتی آن حضرت در برخورد با فرزندان چه بوده است؟

۲- رسول خدا (ص) در برخورد با فرزندان چه اصولی و مرحله ای را رعایت می کردند؟

۳- بر اساس سیره پیامبر اکرم (ص) تربیت دینی و مذهبی فرزندان از چه زمانی آغاز

می شود؟

مراحل تربیت دینی فرزند با تأکید بر سیره قولی و عملی پیامبر اکرم(ص) □ ۱۱

۴- آیا روش‌ها و مبانی مستخرج از سیره پیامبر اکرم(ص) امروزه در بین خانواده‌ها و مراکز تربیتی قابل اجرا می‌باشد؟ برای به کارگیری این اصول و مراحل باید چه تدابیری اندیشید و آگاهی خانواده‌ها از این روشها و توصیه‌های رسول خدا(ص) چقدر اهمیت دارد؟

مفهوم شناسی تربیت دینی

۱- مفهوم تربیت

تربیت از ماده «ربو» یا «ربب» در لغت به معنای زیاد شدن، رشد کردن و بزرگ شدن است، (ابن منظور، ۱۴۱۳، ج ۵، ص ۱۲۶) و در اصطلاح تعاریف گوناگون از آن ارائه شده است و هرکس از زاویه‌ای به آن نگریسته و تعریفی خاص از آن ارائه داده است. ولی در این جا تعریفی کلی را تا حد زیادی پذیرفته شده است، به عنوان مبنا و محور ذکر می‌کنیم: « تربیت عبارت از هرگونه فعالیتی که معلمان، والدین یا هر شخص به منظور اثرگذاری بر شناخت، نگرش اخلاق و رفتار فردی دیگر بر اساس اهداف از پیش معین شده انجام می‌دهد. (حسینی‌زاده، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۱۲) البته این واژه بیشتر در خصوص کودکان به کار می‌رود که پرورش و هدایت، اخلاق و رفتار فرزندان را تا به مرحله بلوغ در بر می‌گیرد، در زبان فارسی واژه تربیت معنایی پروردن، ادب و اخلاق را به کس آموختن و پروردن کودک تا هنگام بالغ شدن به کار رفته است واژه تربیتی آن: «تعلیم و تربیت نیز به معنای آموزش و پرورش آمده است.» (دهخدا، ۱۳۳۵، ج ۱۴، ص ۲۹۵)

۲- تربیت دینی

با توجه به تعریفی که از تربیت ارائه کردیم «تربیت دینی» عبارت است از مجموعه‌ای اعمال عمدی و هدفدار، به منظور آموزش گزاره‌های معتبر یک دین به افراد دیگر، به نحو که آن افراد در عمل و نظر به آن آموزه‌ها، معتمد و پایبند گردند. بنابراین، تربیت دینی منحصر به مسجد، کلیسا یا مدرسه علمیه نمی‌شود، بلکه در هر جای ممکن است تلاش هدفدار به منظور آموزش معارف دینی صورت گیرد، خواه مسجد باشد یا خیابان یا منزل یا هر جای

دیگر را در برمی گیرد.

اهمیت فرزند و دوران کودکی

امروزه درباره‌ی کودک و اهمیت دوران کودکی تحقیقات زیادی به عمل آمده است و روان شناسان و پژوهشگران تعلیم و تربیت، در این زمینه توجه فراوانی مبذول داشته و در باره‌ی رشد جسمانی و روانی کودک مطالعات زیادی انجام داده‌اند. آنان نقش تجارب کودکی را برای کسب شخصیت سالم در مراحل مختلف رشد و به خصوص بزرگسالی، مهم می‌دانند. اما در گذشته به خصوص در عصر جاهلیت هم عصر نزول قرآن، چنین دیدگاهی حاکم نبود. این دیدگاه و نگرش غلط به کودک در بین دیگر اقوام و ملل نیز وجود داشت تا آنجا که حتی در بین برخی از اقوام کشتن فرزندان را حق قانونی والدین می‌دانستند.

در لسان پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) فرزندان بسان یک انسان و آفریده خدا، جایگاه ویژه‌ای دارد و باید مورد تکریم و محبت والدین قرار گیرد تا بتواند انسان صالح و سازنده‌ای برای خانواده و جامعه‌ی خود باشد. رسول خدا (ص) و ائمه اطهار (ع) در جامعه‌ی ای که برخوردهای ناشایسته و ناپسند با فرزندان و کودکان می‌شد، به روشنگری و هدایت اندیشه‌ها می‌پرداختند و کودک و به ویژه فرزند صالح را ستوده‌اند.

پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «هر درختی میوه‌ای دارد و میوه دل انسان فرزند است». (مجلسی، ۱۴۰۷، ج ۱۰، ص ۳۱۸) همچنین آن حضرت داشتن فرزند صالح و نیکو کار را از سعادت و خوشبختی می‌دانست» (حرعاملی، ۱۳۶۷، ج ۷، ص ۹۷) و او را به گل توصیف می‌کردند. (مجلسی، ۱۴۰۷، ج ۱۰، ص ۲۹۲)

پیامبر اکرم (ص) فرزند صالح را «ریحانه» معرفی کرده است که خداوند آن را به بندگانش عطا فرماید. (همان صفحه)

«ریحانه» در لغت به معنای بوییدن و چیزی است که بوی خوش داشته باشد یا به معنای رزق و روزی و رحمت است و در اثر اطلاق به رزق، به فرزندان «ریحانه» گفته شده است. همچنین از این روی فرزند به ریحانه تشبیه شده است که او را می‌بویند و به خود می‌چسبانند. (همان، ص ۳۱۵) آن آنچنان که گیاه ریحانه را می‌بویند و غم و اندوه را به وسیله

آن از بین می‌برند. نیز رسول خدا(ص) فرمود: «فرزندان نور دیدگان و جگرگوشه‌های ما و خردسالان شان فرمانروایان ما هستند» (نوری طبرسی، ۱۴۰۹، ج ۱۵، ص ۱۱۳)

علی رغم آنکه رسول خدا(ص) فرزند، به ویژه فرزند صالح را ستوده و داشتن آن را مایه سعادت و خوشبختی آدمی دانسته است، در برخی روایات، فرزند و مال از موجبات دلبستگی و حب به دنیا معرفی شده است. در این زمینه، رسول خدا فرموده است: فرزند، میوهی دل و نوردیدگان والدین اند؛ ولی با این حال موجب ترس و بخل و حزن و اندوه آنانند. (فیض کاشانی، ۱۴۰۲، ج ۳، ص ۴۳۷) فرزند سبب ترس پدر نسبت به شرکت در جهاد و انفاق و بخشش مال می‌شود و شیفتگی و حب به مال دنیا را به دنبال دارد. (ابن منظور، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۳۳۲) همچنین فرزند، آدمی را به بخل و او را به سوی آن می‌خواند و در بخشش آن نیز تنگ چشمی و خست می‌ورزند. همچنین علاوه بر مال داشتن فرزند، حب به بقا را نیز به دنبال دارد. از این رو رسول خدا(ص) داشتن فرزند را وسیله آزمایش والدین دانسته است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰، ص ۳۱۸) تا خداوند بندگان را بیازماید که با وجود داشتن فرزندان و حبّ به آنان، تا چه حد نسبت به انجام وظایف و تکالیف دینی خود پایبندند و تا چه حد از دلبستگی به دنیا دوری می‌گزینند.

پیامبر خدا(ص) و ائمه اطهار در برخورد و رفتار با فرزندان، اصول و مراحل را بیان داشته و در عمل نیز بدان پایبند بودند؛ اصول و معیارهای که در عمل بدان‌ها، زمینه تربیت دینی و صالح و نیکو کار شدن فرزندان فراهم می‌گردد.

همچنین رسول خدا(ص) و اهل بیت(ع) در راه تربیت و پرورش کودک، وظایف و تکالیفی را برای والدین مقرر داشته و خود نیز در زندگی شخصی آنها عمل می‌کردند.

آغاز تربیت قبل از تولد

۱. همسر گزینی

در این که تربیت فرزند باید از چه زمانی شروع شود دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد و دانشمندان امور تربیت، سنین مختلف را برای تربیت مطرح کرده‌اند:

۱. «کودک در شش سالگی افکار و اطلاعات خود را در شکل تصویر می‌بخشد تا به

بدین وسیله به دیگران مکونات درونی خود را بفهماند و همین وقت، آغاز تربیت است. (مظلومی، ۱۳۶۶، ص ۳۴)

۲. عده ای دیگر، آغاز تربیت را سالها قبل از تولد می‌دانند. یکی از روانشناسان می‌گوید: «از حکیمی پرسیدند: از چه زمانی تربیت را باید آغاز کرد؟ حکیم در پاسخ گفت: از ۲۰ سال قبل از تولد و اگر به نتیجه لازم نرسیدید، معلوم می‌شود که باید زودتر از آن شروع می‌کردید» (سادات، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۳۱)

اما دین اسلام، تربیت فرزند را از انتخاب همسر می‌داند، زیرا عوامل موثر در تربیت، صرف نظر از فطرت، عوامل ارثی یا محیطی هستند و با انتخاب همسر، پرونده عوامل ارثی و بخش مهمی از عوامل محیطی بسته خواهد شد. زیرا محیط تربیت را خانواده و اجتماع تشکیل می‌دهد. در همین زمینه قرآن کریم اشاره کرده است: ما انسان را از نطفه ای مختلط بیافریدیم، امتحان کردیم و استعدادهای او را به فعلیت تبدیل نمودیم و او را شنوا و بینا ساختیم. (دهر/۲)

همچنین رسول خدا (ص) می‌فرماید: به هم شأن خود، زن بدهید و از هم شأن خود، زن بگیرید و برای نطفه های خود (جایگاه مناسب) انتخاب کنید (حرعاملی، ۱۳۶۷، ج ۱۴، ص ۲۹) و نیز در روایت دیگر فرمود: « برای نطفه های خود (جایگاه مناسب) انتخاب کنید که ویژگی های دایی در شکل گیری شخصیت فرزند اثر می‌گذارد. (همان)

آنچه از این آیه و روایات استفاده می‌شود این است که اسلام به صفات اخلاقی، خصوصیت های خانوادگی و درونی اهمیت قائل است، زیرا صفات مادر در تکوین آینده کودک نقش موثری دارد. در همین زمینه امام صادق (ع) می‌فرماید: خوشا به حال کسی که مادرش پاکدامن باشد. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵، ص ۳۸۵)

در فرهنگ دینی و سفارش پیشوایان معصوم که این قدر به پاکی و عفت زنان تاکید شده است، برای آن است که اگر مادر بد رفتار و ناپاک باشد و توجه به دستورات دینی نداشته باشد، در اخلاق و روش کودک اثر نامطلوب بر جای خواهد گذاشت و اغلب کودکان - به خصوص دختران - قدم جای قدم مادران می‌گذارند.

مادران عاقل و با تربیت از نظر منش های فردی و اجتماعی، روی رفتار فرزندان

تأثیرگذارند امام صادق(ع) جایگاه زنان را در حوزه خانواده چنین به تصویر کشیده اند: « زن به منزله گردن بندی است که بر گردن می افکنید، پس مراقب باش چه چیزی را بر گردن می افکنی و برای زن نمی توان قیمت را تعیین کرد، چه خوب و چه بد، اما ارزش زنهای نیک را با طلا و نقره نمی شود تعیین کرد، زیرا آنها از طلا و نقره ارزشمند ترند اما بدان آنها ارزش خاک را هم ندارند، زیرا که خاک از آن ها بهتر است» (حرعاملی، ۱۳۶۷، ج ۱۴، ص ۱۷)

انسان هوشیار هیچ گاه به آراستگی ظاهری مردان و زنان نگاه نمی کند و به جمال آنان فریب نمی خورد، بلکه باید به ذات و تدین آن بیاندیشد در این باره پیامبر خدا(ص) می فرماید: « هر کس که با زنی فقط برای جمالش ازدواج کند به مطلوب خود نخواهد رسید و هر کس فقط برای مال ازدواج کند خدا او را به همین امر واگذار می نماید پس شما به خواستگاری زنی بروید که دیندار باشد.» (همان، ص ۳۰)

و نیز در روایت دیگر می فرماید: « هر کسی با زنی که برای مالش ازدواج کند، خدا او را به همین امر واگذار می نماید و هر کس که برای جمالش ازدواج کند به چیزی می رسد که از آن کراهت دارد و هر کس که برای دینداری ازدواج کند خدا هر سه را برایش جمع می کند.» (همان، ص ۳۱).

البته اسلام مخالف زیبایی و ثروت نیست، اما اگر امر دایر باشد بین دیندار و زیبا و یا دیندار و ثروتمند، دیندار مقدم است زیرا زن دیندار مایه سعادت و خوش بختی انسان است. رسول خدا(ص) می فرماید: « از سعادت و خوش بختی مرد آن است که زن صالح داشته باشد.» (کلینی، ۱۴۱۳، ج ۵، ص ۳۳۳)

امروزه صاحب نظران امور تربیت کودکان زمینه تربیت را در لحظه انعقاد نطفه می دانند. ولی از منظر پیشوایان دین(ع) از گزینش همسر شروع می شود و شیرازه شخصیت فرزند از شخصیت پدر و مادر مایه می گیرد.

۲. آداب معاشرت

امور دیگری که رعایت آنها زمینه‌ی مناسبی را برای تربیت فرزند فراهم می کند، معاشرت و روابط صحیح و سالم پدر و مادر است. روابط درست والدین، علاوه بر اینکه الگوی سالم

معاشرت را فراروی فرزندان می‌گذارد، موجب می‌شود که فرزندان نیز برای والدین احترام ویژه‌ای قایل شوند و از آنها حرف شنوی داشته باشند. روابط والدین دامنه گسترده‌ای دارد. آنچه در این جا مورد نظر است؛ بخشی از روابط والدین است که مربوط به دوران پیش از تولد فرزند، یعنی روابط آنها در آمیزش و مباشرت است. در متون اسلامی از بزرگان دین، روایات زیادی درباره‌ی آداب آمیزش و تأثیر آن در روح و جسم فرزند نقل شده، اما آنچه از سیره‌ی معصومان(ع) در این باره آمده شامل سفارش‌هایی است که پیامبر(ع) در زمینه زمان، مکان و حالات روحی حاکم بر همسران زمان آمیزش، به حضرت علی(ع) فرموده است. در پایان آن سفارش‌ها پیامبر اکرم(ع) می‌فرماید: یا علی، این وصیت مرا حفظ (و به آن عمل) کن؛ چنان که من آن را از جبرئیل آموختم و حفظ کردم. (طبرسی، ۱۴۰۸، ص ۲۱۹) حالات روحی و معنوی انسان و حتی نوع غذای او به قدری در آسان‌سازی امر تربیت فرزند موثر است که پیامبر(ع) قبل از پیدایی تنها یادگار خود، به امر پروردگار، چهل روز خلوت گزید و به روزه و عبادت پرداخت. در آخر هم از غذاهای بهشتی که جبرئیل برای او آورد، تناول کرد (قمی، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۲۴۷) و نتیجه آن فرزندی شد که یازده امام معصوم(ع) از نسل او پدید آمدند. هم چنین پیامبر اکرم(ع) در پاسخ به زنی که به عدالت خدا اعتراض داشت، به تأثیر غذای پدر، حتی در جسم فرزند اشاره می‌کند. وی نزد رسول اکرم(ص) آمد و عرض کرد.

ای رسول خدا، چگونه خدا عادل است در حالی که این فرزند کور را به من داده؟ پیامبر(ص) پس از لحظه‌ای تأمل فرمود: آیا شوهرت هنگام مباشرت با تو شراب خورده بود؟ زن عرض کرد: آری ای رسول خدا. حضرت فرمود: پس در این صورت، کسی را جز خودت ملامت مکن. (کریمی نیا، ۱۳۷۲، ص ۳۷)

آثار تربیتی رعایت آداب آمیزش

تأثیر آداب آمیزش در تربیت فرزند، که در سیره معصومان(ع) و روایات ذکر شده، بردوگونه است:

الف) سلامت جسمی

امام حسن مجتبی(ع) می فرماید: «اگر مرد با آرامش قلب و اعصاب راحت و غیر مضطرب با همسر خود آمیزش کند، نطفه در رحم، بدون اضطراب ساکن می شود و فرزند شبیه پدر و مادر خود خواهد بود. اما اگر مرد با اضطراب و اعصاب نازاحت با همسر خود پیامیزد. نطفه با اضطراب در رحم مادر قرار می گیرد و فرزند شبیه عمو، عمه، خاله، دایی و سایر اقوام خواهد شد.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۰، ۳۵۹)

البته این، بخشی از تأثیرات آن حالات است که امام مجتبی(ع) بیان کرده اند. تأثیرات جسمی دیگری نیز بر شرایط و محیط حاکم بر آمیزش مرتب است که در روایات دیگری به آن اشاره شده؛ از جمله: پیامبر(ص) در وصیت خود به حضرت علی(ع) می فرماید: «یا علی، در اول، وسط، و آخر ماه با همسرت هم بستر مشوزیرا احتمال جنون، جذام و فساد اعضا و عقل او و فرزندش را در این روزها زیادت است.» (طبرسی، ۱۳۷۹، ص ۲۱۹)

ب) سلامت روانی و معنوی

رعایت آدابی چون ذکر نام و یاد خدا، با وضو و طهارت بودن و دعا کردن پیش از آمیزش، موجب جلوگیری از دخالت شیطان می شود. قرآن کریم پس از ذکر اینکه شیطان بر آدم سجده نکرد و از درگاه خدا رانده شد و فرصت طلبید، می فرماید: «هرکدام از آنها را که توانستی با صدایت تحریک کن و لشکر سواره و پیاده ات را بر آنها گسیل دار و در ثروت و فرزندانشان شرکت جوی.» (اسرا، ۶۴)

در این آیه به شیطان اجازه شریک شدن در مال و فرزند انسان داده شده است. مسئله شرکت در اموال روشن است؛ اما چگونه شیطان در فرزند انسان شریک می شود؟ در تفسیر صافی ذیل همین آیه از امام صادق(ع) چنین نقل شده است: هنگام آمیزش و تشکیل نطفه اگر نام خدا برده شود، شیطان دور می شود، ولی اگر نام خدا پرده نشود، شیطان داخل می شود و عمل از ناحیه شیطان و فاعل، به طور مشترک واقع می شود. (فیض کاشانی، ۱۴۰۲، ج ۳، ص ۲۰۳) طبیعی است تربیت و هدایت فرزندی که شیطان در ایجاد او دخالت دارد مشکل تر خواهد بود؛ چنان که تربیت کسی که از راه حرام به دنیا آمده باشد دشوارتر

است. از این رو در اسلام مشاغل حساسی که نیاز به عدالت و تقوا در حد بالا دارد به زنزاده داده نمی‌شود.

گفتنی است رعایت نکردن بسیاری از آداب‌هایی که پیامبر (ص) به علی (ع) سفارش کرده چنانکه در روایت یاد شده آمده - ممکن است موجب ایجاد نقص‌های جسمی و عقلی در فرزند شود؛ البته تربیت فرزند به گونه‌ای که حتی اگر عیب و نقص جسمی هم نداشته باشد، علاوه بر اینکه خود بخشی از تربیت است در بخش‌های دیگر تربیت نیز تأثیر می‌گذارد؛ زیرا تربیت فرزندی که دچار نارسایی عقلی یا نقص عضو باشد بسیار دشوارتر از تربیت فرزند سالم است. همچنین رعایت نکردن آداب آمیزش، علاوه بر تأثیر نهادن بر فرزندی که نطفه او در حال انعقاد است، بر سایر فرزندان نیز اثر می‌گذارد.

امام صادق (ع) از قول پیامبر (ص) فرمود: سوگند به خدایی که جانم در دست اوست، هرگاه مردی با زنش هم بستر شود، در حالی که کودکی در اتاق بیدار است آنها را می‌بیند و سخن گفتن و نفس زدن آنها را می‌شنود، آن کودک هرگز به رستگاری نخواهد رسید؛ خواه پسر باشد یا دختر، زناکار خواهد شد. (حرعاملی، ۱۳۶۷، ج ۱۴، ص ۹۴) شاید یکی از علل آن، این باشد که کودک اگر والدین را در حال مباشرت ببیند یا نفس کشیدن غیر عادی آنها را بشنود، به کار آنها حساس شده ذهن او به آن مشغول می‌شود و ممکن است به نوعی به بلوغ زودرس مبتلا شود. هم‌چنین چون کودک، بخشی از والدین است و منشأ او والدین اند، در صورتی که نزدیک آنها باشد، تأثیرات روحی و عصبی آنها در او نیز اثر می‌گذارد، به ویژه آن که این تأثیرات از سوی شخص قوی والدین - به سوی شخص ضعیف - کودک - است بنابراین ممکن است کام جویهای روحی والدین در کودک نیز تأثیر بگذارد و او را دچار بلوغ زودرس کند؛ البته شاید این تأثیرات عوارض دیگری نیز در وی داشته باشد. باتوجه به تأثیراتی که شرایط زمانی، مکانی و روحی - روانی تشکیل نطفه بر فرزند می‌گذارد، معصومان (ع) آداب خاصی را به هنگام آمیزش با همسر رعایت، و دیگران را نیز به آن سفارش می‌کرده‌اند. (طبرسی، ۱۳۷۹، ص ۲۱۸)

پیشرفت علوم، پذیرش این گونه تأثیرات را آسان تر کرده زیرا تأثیر ژنها و نقش عوامل مختلف در نهفتگی و غلبه آنها از نظر علمی به اثبات رسیده است. عوامل محیطی بخشی از

مراحل تربیت دینی فرزند با تأکید بر سیره قولی و عملی پیامبر اکرم(ص) □ ۱۹

عواملی است که در غلبه و نهفتگی ژنها موثر است. آنچه در این روایات بیان شده نیز بخشی از عوامل محیطی است که ممکن است در غلبه ژنهایی که صفات خاص جسمی یا روحی را پدید می‌آورند موثر باشد.

۳- دوران بارداری و تأثیر غذای مادر بر تربیت فرزند

دوران بارداری که در حقیقت دوره رشد تدریجی جنین در رحم مادر می‌باشد، در تکوین شخصیت کودک از نگاه عقلی، جسمی، احساسات و صفات اخلاقی بسیار موثر است و اگر نکات بهداشتی اخلاقی و رفتاری را پدر و مادر به خوبی رعایت نمایند، آثار آن را پس از تولد به خوبی مشاهده خواهند نمود و زن از همان زمان که باردار می‌شود این را قبول کند که مادر شده است و مسئولیت پرورش کسی را در رحم خود به عهده دارد و از مجموع این روایات دو مطلب بسیار مهم استفاده می‌شود:

۱- حساسیت زمان بارداری مادر در رشد و پرورش جسمی و فیزیکی جنین تاثیر دارد، جنین از مادر تغذیه می‌کند و از گرما و اکسیژن مادر استفاده می‌کند.

۲- تأثیر تغذیه مادر در این دوران، در هوش و حافظه، اعصاب و مغز و ساختار عصبی او و همچنین در استعداد، اخلاق و تربیت کودک تأثیر می‌گذارد. دوران نوزادی این دوران که حدود یکی دو هفته نخست اول زندگی را شامل می‌شود، مورد توجه رسول خدا(ص) قرار گرفته است. از پیامبر اکرم(ص) درباره‌ی تولد نوزاد، آداب و سننی نقل شده است که غالباً تا امروز نیز ادامه دارد و خانواده‌ها خود را ملزم به رعایت آنها می‌دانند، در ذیل به مهمترین این آداب و سنن اشاره می‌شود:

آداب و سنن دوران نوزادی

الف) خواندن اذان و اقامه در گوش نوزاد

در برخی روایات آمده است، وقتی امام حسن(ع) متولد شد رسول خدا(ص) به اسماء بنت عمیس فرمود: «ای اسماء، فرزندم را بیاور، اسماء او را به حضور پیامبر برد. پیامبر اکرم(ص) نوزاد را در آغوش گرفت و در گوش راست او اذان و در گوش چپش اقامه خواند،

چنانکه در مورد امام حسین (ع) نیز چنین کرد. «(مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰، ص ۲۶۴) (براساس برخی روایات، پیامبر اکرم (ص) علاوه بر اذان و اقامه، فاتحه الکتاب، آیه الکرسی، سوره اخلاص، معوذتین و آیات آخر سوره حشر را نیز در گوش حسنین (ع) خوانده است. (نوری طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۱۵، ص ۱۳۷) رسول خدا (ص) در بیان این سنت پسندیده، به علی (ع) فرموده است: «یا علی، چون فرزند نصیب تو شد، در گوش راستش اذان و در گوش چپش اقامه بگو تا هرگز شیطان به او آسیبی نرساند.» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۹، ص ۱۵) همچنین در مقامی دیگری فرمود: «اگر زن یا یکی از اعضای خانواده‌ات، بدخلق شد، در گوش‌های او اذان بخوان» (فیض کاشانی، ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۴۳۸) از مجموع این روایات به خوبی استفاده می‌شود که گفتن اذان و اقامه و یا هر دعای دیگر در گوش آدمی، در آرامش درونی انسان و در امان ماندن از شیطان بی تأثیر نیست. این سنت پسندیده موجب می‌شود که انسان از بدو تولد، با شعار اسلام آشنا شود، چنانکه به هنگام مرگ نیز با این کلام (شهادتین) دنیا را وداع می‌گوید. قطعاً آنچه که گوش می‌شنود، در اعماق جان و روح آدمی اثر می‌گذارد.

ب) عقیقه و صدقه

عقیقه از مصدر «عق» به معنای شکافتن و جدا کردن است. عقیقه، قربانی‌ای است که در هنگام تولد نوزاد ذبح می‌شود. از این رو به این قربانی، «عقیقه» گفته‌اند، زیرا حلقومش را می‌شکافند و جدا می‌سازند. (مجلسی، جلد ۱۰، ص ۲۸۵) در روایتی آمده است وقتی امام حسن (ع) به دنیا آمد، رسول خدا (ص) دو قوچ ابلق برای او عقیقه کرد. یک ران از آن را با یک اشرفی، به قابله امام (ع) عطا کرد و برای همسایگانش نیز از گوشت آن قربانی، فرستاد. سپس سر امام حسن (ع) را تراشید و به وزن موی سرش، نقره صدقه داد و سرش را معطر کرد و بوسید. و درباره‌ی امام حسین (ع) نیز چنین مراسمی را انجام داد. امام علی (ع) در همین زمینه فرموده است: «برای نوزاد خود در روز هفتم، عقیقه کنید و

به وزن موهای سرش به مسلمانان صدقه بدهید چنانکه رسول خدا(ص) برای امام حسن و امام حسین و دیگر فرزندان چنین می‌کرد.» (طباطبایی، بی تا، ص ۲۰۲)

بدون شک، انجام مراسمی همچون عقیقه و ولیمه برای تولد نوزاد، موجب تکریم و احترام به او و حتی به مادرش می‌شود و نشان از شادمانی و خرسندی پدر از تولد نوزاد دارد. این خرسندی تا بدان حد است که پدر به میمنت تولد نوزاد خود مجلس مهمانی برگزار می‌کند روشن است که اگر این موارد در راه کمک به نیازمندان باشد از ارزش بیشتری برخوردار است.

ج) نام گذاری نیکو

از سنت‌های که در سیره رسول خدا(ص) مهم تلقی شده است، انتخاب نام نیکو برای فرزند است. چنانکه رسول خدا(ص) در روز هفتم ولادت حسنین(ع)، پس از عقیقه و صدقه دادن برای آن دو نوزاد، درباره‌ی نام گذاری آنان، با حضرت علی(ع) گفت و گو کرد. (همان، ص ۱۸۵) رسول خدا(ص) نام نیکو نهادن بر فرزند را از جمله حقوق مسلم فرزند بر پدرش معرفی کرده فرموده است: «حق فرزند بر پدر، آن است که نام خوبی برایش انتخاب و او را نیکو تربیت کند.» (متقی، ج ۱۶، ص ۴۱۷)

از نگاه پیامبر(ص) نخستین چیزی که مرد به فرزندش می‌بخشد، نام نیکو است، پس باید او را نام نیک نهاد. (همان، ص ۴۲۳) همچنین رسول اکرم(ص) یکی از راه‌های تحقق محبت و احترام و به دست آوردن دل‌های دیگران را کُنیه‌ها و نام‌های نیک می‌دانست. (طباطبائی، بی تا، ص ۱۰۶) و دوست نداشت که مردم، یکدیگر را به نام‌های بد صدا زنند. از این رو؛ آن حضرت نسبت به نام گذاری کودکان، حساسیت فراوان داشت و در این زمینه به تغییر و جایگزینی اقدام می‌کرد. از آن رو که نام‌های افراد و گروه‌ها، تا حد نماد باورها و گرایش‌های آنان است، پیامبر(ص) تأکید داشت، نام‌ها و اسامی کودک، رنگ و بویی از سنت‌ها و آداب غلط جاهلی نداشته باشد. پیامبر(ص) با ردّ اسامی ناپسند، به معرفی نام‌های نیکو پرداخت.

اعراب جاهلی، فرزندان خود را به الفاظ و اسامی ای نام گذاری می‌کردند که نشان از بت

پرستی آنان داشت. حتی آنان در نام گذاری کودکان، از اسامی برخی حیوانات استفاده می‌کردند و چون اهل جنگ و غارت بودند، نام فرزندشان خود را به نام هایی همچون حرب و که نماد جنگ و درگیری بود، می‌نامیدند تا بدین وسیله، دشمنان را بترسانند و رعب و وحشت در دل آنان ایجاد کنند و یا نام پادشاهان و ملوک را بر فرزندانشان می‌نهادند.

پیامبر اکرم (ص) در تعالیم خود، به رد این اسامی پرداخت و نام گذاری نیکوی فرزندان را از وظیفه والدین معرفی کرد (متقی، ج ۱۶، ص ۴۱۷). تأکید رسول خدا (ص) بر حذف نام‌های بد و جایگزین کردند نام های نیک و پسندیده برای کودکان و بزرگان که به ظاهر امر ساده‌ای به نظر می‌رسد، نوعی تکریم و بزرگداشت انسان است. بدون شک، نام نیکو و با فضیلت تأثیرات مثبتی بر روان کودک می‌گذارد و برای او نیکی و زیبایی را الهام می‌بخشد و احساس رضایت و اعتماد به نفس را به ارمغان می‌آورد. بعکس، نام‌های ناخوشایند و ناپسند یا بی معنی، موجب حقارت و رنج کودک را فراهم می‌کند.

د) تغذیه با شیر مادر

اهمیت تغذیه کودک با شیر مادر و نیز تأثیرات حالات روحی و معنوی مادر بر نوزاد در دوران شیردهی، از امور بسیار مهمی است به خصوص در دهه‌ی اخیر، مورد توجه پزشکان و روان شناسان قرار گرفته است. پیش از آنکه علوم جدید پرده از اسرار و تأثیرات شیر مادر بردارد، قرآن کریم و پیشوایان دینی به این مطلب توجه داشته‌اند.

حتی پیش از بعثت پیامبر اکرم (ص) و ظهور اسلام، مسئله‌ی شیر مادر در بین عرب، از شأن و جایگاه والایی برخوردار بود. از آن رو که این امر در تربیت و خلق و خوی کودک تأثیرگذار است، اعراب تأکید داشتند که خود مادر به فرزندش شیر دهد و اگر مادر عذری داشت، افراد فامیل یا افراد سالمی که دارای خانواده‌ای اصیل بودند، برای شیردهی انتخاب می‌شدند، اعراب در انتخاب دایه برای شیردهی دقت و توجه زیادی مصروف می‌داشتند (جواد علی، ۱۹۷ م، ج ۲، ص ۶۴۳) و در گرفتن اطفال از شیرمادر تعجیل نمی‌کردند، مدت زمان شیردادن که در بین عرب متعارف بوده، و بیش از بیست ماه گزارش شده است. (دروزه، ۱۹۶۴ م، ص ۳۸۵).

پیامبر اکرم(ص) باورها و سنن رایج عرب را که مطابق با عواطف و فطرت انسانی و تأثیرگذار بر جنبه‌های روانی و روحی و شخصیت او بود، تأیید می‌کرد. از این رو، در سفارشات تربیتی آن حضرت، اهمیت شیر مادر مورد توجه واقع شده است.

پیامبر اکرم(ص) فرموده است: «هیچ غذایی برای کودک بهتر از شیر مادرش نیست» (حرعاملی، (بی تا)، ج ۱۵، ص ۸۸). همچنین آن حضرت شیر را موجب تغییر طبیعت و خلق و خوی کودک دانسته است. (انصاریان، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۸۲۲). به همین دلیل، در سخنان ایشان ویژگی‌هایی برای مادران شیر ده ذکر شده است. (حرعاملی، ج ۱۵، ص ۱۸۸) نکته قابل ذکر این است که امروزه به دلیل حضور اجتماعی زنان و اشتغال مادران، بسیاری از نوزادان در ساعات از روز از شیر مادر و آغوش گرم او محروم می‌مانند، جدایی کودک از مادر در طی ساعات طولانی - به ویژه در دوران شیرخوارگی - صدمات زیادی را به لحاظ روحی و روانی بر کودک وارد می‌آورد. نامناسب بودن شرایط مهدهای کودک و عدم آگاهی و کار آزمودگی مربیان این قبیل مراکز، صدمات مزبور را دو چندان می‌کند. از این رو، با دادن آگاهی لازم به مادران مبتنی بر اهمیت دوران شیرخوارگی و کودکی، باید انگیزه و زمینه‌های کافی و حمایت‌های مناسب را فراهم آورد تا آنان بتوانند با آرامش در این دوران حساس در کنار فرزندان خود باشند و به مراقبت و پرورش آنان بپردازند و در عین حال، امنیت شغلی آنان نیز حفظ گردد.

در پایان این مبحث اشاره می‌شود دادن مزدگانی به هنگام شنیدن خبر تولد نوزاد به منظور تکریم او و مادرش. (واقدی، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۱۳۳).

اختتان نوزادان در روزهای نخست. (حرعاملی، (بی تا) ج ۷، ص ۱۶۵) و نیز تحنیک، یعنی نرم کردن خرما و مالیدن آن در دهان نوزاد به وسیله افراد با تقوا و صالح. (متقی، ۱۴۰۹، ج ۱۶، ص ۲۴۲). از دیگر آداب و سنن تولد نوزاد است که مورد توجه رسول خدا(ص) بوده است.

مراحل سه گانه

۱- هفت سال اول زندگی

در روایات منقول از پیامبر اکرم (ص) و دیگر پیشوایان دینی، تقسیم بندی هایی از مراحل رشد و ویژگی های هر مرحله به چشم می خورد، رسول خدا (ص) در این زمینه فرموده است: «فرزند هفت سال اول آقا است، هفت سال دوم خدمتگزار و مطیع و هفت سال سوم وزیر و مشاور است.» (متقی، ۱۴۰۹، ج ۱۶، ص ۴۴۲)

پیامبر اکرم (ص) با توجه به اهمیت هفت سال نخست زندگی، در رشد و تکوین آدمی این دوره را دوره «سیاست و سروی» دانسته است.

واژه «سید» به معنای سرور، محور و آقا است. کاربرد این واژه در دوره کودکی اول، حکایت از آن دارد که کودک در این دوره، باید به اندازه ای کافی مورد توجه و احترام خانواده و دیگران قرار گیرد و در حکم آقا و سروری باشد که مورد تکریم است و اهانت و تحقیری متوجه او نیست. در این دوره نه تنها نباید با او آمرانه و تحکم آمیز برخورد کرد، بلکه او خود امر می کند در تأیید این سخن، کلام دیگری از رسول خدا (ص) نقل شده است که حضرت می فرماید: فرزندان ما جگر گوشه های ما هستند خردسالانشان فرمان روایان مایند.

همچنین در برخی از روایات به یکی دیگر از ویژگی های این دوره، یعنی بازی کردن اشاره شده است. از رسول خدا (ص) و همچنین از امام صادق (ص) نقل شده است که فرزند خود را هفت سال آزاد بگذار تا بازی کند و در هفت سال دوم به ترتیب و ادب کردن او اقدام کن. (کلینی، ۱۳۷۰، ج ۶، ص ۲۶)

این روایت به روشنی، با ویژگی های مراحل رشد که در کلام روان شناسان بدان اشاره شده است، تطبیق دارد. روان شناسان آزادی و بازی را از ویژگی های مهم این دوره معرفی می کنند و معتقدند در این دوره هر قدر به کودک در فعالیت ها و تلاشهای کنجکاوانه آزادی بیشتری داده شود، به قوه ابتکار و خلاقیت او افزوده می شود. (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۷۸۱)

مفهوم آزادی در این دوره آن است که نباید کودک را زیر فشار قرار دهند و کاری را به او

محول کنند که در وسع و توان او نباشد. نیز نباید مقهور و مورد خشم و غضب والدین و اطرافیان قرار گیرد. البته این سخن به این معنا نیست که کودک کاملاً رها باشد و به هر کاری دست بزند و غیر مستقیم تحت کنترل نباشد. (صانعی، ۱۳۷۸، ص ۳۲۲).

رسول خدا(ص) در کلام دیگری به تأیید این اصل پرداخته و فرموده است: خدا رحمت کند کسی را که فرزندش را بر انجام کار نیک یاری دهد. سوال شد که والدین چگونه این کار را انجام دهند؟ حضرت فرمود: آنچه را در حد توانایی اش انجام می دهد، بپذیرند (بیش از توانمندی وی از او انتظار نداشته باشند) و از آنچه برای کودک دشوار است، صرف نظر کنند. (حر عاملی، (بی تا)، ج ۱۵، ص ۱۹۹).

۵. هفت سال دوم زندگی

پیامبر (ص) این دوره را، دوره‌ی خدمتگزاری و تسلیم بودن کودکان معرفی کرده است. اطاعت، فرمان برداری، حرف شنوی و تعلیم و تأدیب کودک از ویژگی های این دوره به شمار می رود. کودک در این دوره، مطیع پدر و مادر می شود و خود را بیشتر در اختیار آنان قرار می دهد، در حالی که دوره‌ی قبل را با بازی و بازیگوشی، سپری می کرد و محور خانه به شمار می رفت. او در این دوره با توجه به رشدی که پیدا می کند، روحیه‌ی اطاعت پذیری اش بیشتر می شود. به همین دلیل، در این دوره بهترین فرصت، هم برای تعلیم (آموزش)، و هم تأدیب (آموزش مستقیم ارزش ها و پرهیز دادن از ضد ارزش ها) فراهم می آید؛ زیرا کودک در این دوره، نه حالت بازیگوشی دوره‌ی اول را دارد و نه مشکلات دوره‌ی سوم را که دوره‌ی بلوغ و نوجوانی است. (سوسن، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۱۳۱).

ابعاد تربیت دینی

۱. آموزش نماز و دعا: در بیان سیره‌ی عملی رسول خدا(ص) نقل شده است که هرگاه به ایشان و خانواده اش، تنگدستی، و سختی می رسید، می فرمود: برخیزید و نماز بخوانید که آفریدگار مرا به این کار امر فرموده است. (طباطبائی، (بی تا)، ص ۲۱۱). امر خداوند که رسول(ص) در پایان این سخن، بدان اشاره کرده، آیه ی ۱۳۲ از سوره ی «طه» است؛ زیرا

خداوند در این آیه خطاب به پیامبر و همه‌ی پدران و سرپرستان خانواده فرموده است: « خانواده خود را به نماز فرمان ده و خود بر آن شکیبا باش.» از این آیه به خوبی برمی‌آید که نماز خوان کردن اهل خانواده (به خصوص کودکان) و تربیت دینی آنان کاری دشوار است و نیاز به صبر و بردباری دارد. درباره‌ی آغاز آموزش نماز به کودکان نیز، به طور خاص روایاتی نقل شده است. پیامبر (ص) در این زمینه فرموده است: « کودکان خود را در هفت سالگی به نماز خواندن امر کنید و به آنان نماز را یاد دهید و در دوره سالگی برای نخواندن نماز، آنان را تنبیه کنید و در این سن بسترهایشان را از هم جدا کنید.» (متقی، ۱۴۰۹، ج ۱۶، ص ۴۳۹) علی‌رغم آنکه سن وجوب نماز برای کودکان، هفت سال نیست، اما در این روایت آغاز نماز خواندن کودک را هفت سالگی معرفی کرده است. « امر به نماز خواندن» که در این روایت آمده، دلیل بر وجوب نماز نیست، بلکه فلسفه‌ی آن آشنایی کودک با مراسم دینی و عادت کردن او به این امور تا هنگام رسیدن به سن تکلیف و وجوب نماز، ادای این مراسم برای او آسان تر باشد. براساس این روایت، تشویق والدین به عبادت کردن کودک از سن هفت سالگی ایجاد آمادگی جسمی و روحی و بالا رفتن تحمل او برای انجام مراسم و تعالیم مذهبی - همچون نماز و روزه - است.

علاوه بر آن براساس دیدگاه‌های روان‌شناسی و تربیتی، کودک از آغاز هفت سالگی و به خصوص ده سالگی، احساس می‌کند خواستار سعادت بی‌نهایت است و برای کسب معنویت به خدا روی می‌آورد. از حدود هشت سالگی به بعد، شوقی در کودک پدید می‌آید که برای تکامل روانی خود تلاش می‌کند و متوجه ایجاد روابط استوار با خدا می‌شود و این تلاش، در سنین دوازده سالگی به شکل عادی متجلی می‌گردد و عشق نیرومندی را در رابطه با خدا پیدا می‌کند، تا آنجا که می‌تواند عباداتی را انجام دهد. از حدود سن هشت سالگی به بعد، شوق مذهبی کودک بیشتر، و نسبت به مسائل مذهبی علاقه مند می‌شود. (قائمی، ۱۳۷۰، ص ۳۳-۵۵).

براساس روایات رسول خدا (ص) و دیگر ائمه (ع) این دوره، دوره‌ی «تأدیب و تربیت» نام گذاری شده است. دو خصوصیت روانی کودک، یعنی «تربیت پذیری» و «تعلیم پذیری» گویای آن است که آمادگی دارد تا به طور مستقیم، ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها به وی

آموزش داده شود و این مفاهیم برای او به تدریج تبیین گردد. آموزش مستقیم این مفاهیم در دوره‌ی قبل چندان کارساز نیست و کودک باید بیشتر به صورت غیر مستقیم و تقلیدی تحت این آموزش‌ها قرار گیرد؛ ولی در این دوره با افزایش رشد سنی، کودک به این مرحله از شناخت رسیده است که بتواند مفاهیم اخلاقی و تربیتی را به صورت مستقیم به او آموزش داد. (سوسن، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۲۶۴).

شاید فلسفه‌ی سخت‌گیری والدین نسبت به نماز خواندن کودکان در ده سالگی به دلیل وجود همین روحیه در کودک است؛ زیرا او در ده سالگی به مرحله‌ای از رشد رسیده است که می‌تواند مسئولیت‌های دینی را بپذیرد و باید در قبال ترک آنها، به والدین پاسخگو باشد. علاوه بر نماز، آموزش برخی از مظاهر و نمادهای دینی همچون ذکر و دعا و مقدمات نماز، مانند طهارت و وضو به کودکان نیز در تعالیم نبوی، به چشم می‌خورد. (متقی، ۱۴۰۹، ج ۱۶، ص ۴۴۱)

در سیره‌ی عملی آن حضرت نشانه‌هایی از توجه به تربیت دینی به چشم می‌خورد. درباره‌ی زندگی حضرت زهرا(س) و تربیت دینی او در خانه‌ی پدر، روایات زیادی نقل شده است. پرورش فاطمه(س) و آموزش‌های دینی و مذهبی او در کنار پدر و زیر نظر وی انجام می‌شد. زهرا(س) در خانه‌ی پدر، عبادت کردن را می‌دید و برپایی آیین‌های مذهبی و دینی، در وجود او تأثیری شگرف می‌گذاشت. حساسیت و توجه رسول خدا(ص) به تربیت دینی و آموزش‌های مذهبی نیز در امر سازندگی شخصیت او موثر بود. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰، ص ۲۹).

آن حضرت حتی نسبت به تربیت دینی نواده‌های خود نیز توجه بسیار مبذول می‌داشت. نقل شده است که رسول خدا(ص) مشغول نماز بود و حسین(ع) در کنارش وقتی پیامبر(ص) تکبیر می‌گفت، حسین(ع) نمی‌توانست تکبیر بگوید. آن حضرت همچنان تکبیر را اعاده می‌کرد و به حسین(ع) تعلیم می‌داد تا اینکه تکرار این کلام مبارک، به هفت بار رسید و حسین(ع) در مرتبه‌ی هفتم توانست تکبیر را به زبان آورد. (همان، ص ۳۴۱). مضمون این روایت نشان می‌دهد که حسین(ع) در این شرایط طفل کم سنی بوده و احتمالاً به خوبی توانایی سخن گفتن نداشته است. به همین دلیل، ادای عبارت «الله اکبر» برای او دشوار بوده

و نیاز به تکرار داشته است. ولی با این حال، رسول خدا(ص) به آموزش دینی او پرداخته است.

همچنین براساس برخی روایات، حسنین(ع) در هنگام نماز خواندن پیامبر(ص) در کنار او می‌ایستادند و در انجام اعمال نماز به پدر بزرگ خود تأسی می‌جستند. آن حضرت نیز پس از نماز، آنان را نوازش می‌کرد و برپای خود می‌نشاند و به نوعی مشوق آنان در ادای نماز بود. در روایات نقل شده است که پیامبر(ص) برای حسنین(ع) دعا و تعویذ می‌خواند و برای سلامتی شان، معوذتین(سوره‌های ناس و فلق) را قرائت می‌کرد. این عمل رسول خدا(ع) علاوه بر آنکه موجب محافظت کودکان می‌شد، از جنبه‌ی تربیتی نیز بر آنان اثرگذار بود؛ چون آنان به طور غیرمستقیم اهمیت دعا و تلاوت قرآن را در می‌یافتند.

۲. آموزش قرآن: یکی دیگر از جنبه‌های تربیت دینی کودک، آموزش قرآن در ابعاد مختلف قرائت، روحانی و مفاهیم آن است. رسول خدا(ع) در بیان وظایف والدین این نکته‌ی مهم را نیز از نظر دور نداشته است.

از پیامبر(ع) نقل شده است که فرمود: «فرزندان خود را برپایه‌ی سه ویژگی تربیت کنید: محبت ورزیدن به پیامبر و اهل بیت و قرائت قرآن.» (متقی، ۱۴۰۹، ج ۱۶، ص ۴۵۶) حضرت همچنین در روایت دیگری، برای والدینی که به فرزند خود قرآن آموزش دهند، ثواب و پاداش اخروی بیان کرده است. (محمدی ری شهری، ۱۳۷۷، ص ۴۱۴). در این روایات، علاقه مند کردن فرزندان به رسول خدا(ع) و اهل بیت(ع) در ردیف انس با قرآن ذکر شده است که هر دو از وظایف والدین است. بی شک، راه‌هایی همچون بیان ویژگی‌ها و فضایل اهل بیت(ع)، و شرکت دادن فرزندان از دوران کودکی در مراسم دینی، عزاداری و جلسات قرآن، از راه‌های موثر در تحقق این توصیه‌ی رسول خداست، البته مشروط به اینکه این امر به افراط و زیاده روی نرسد و دوران کودکی، به خصوص شش سال اول، که مرحله‌ی بازی و آزادی اوست، یک سر به حضور در جلسات حفظ و قرائت قرآن محدود نگردد و برنامه‌های فشرده و سنگین حفظ و آموزش قرآن - که امروزه در مراکز آموزش رسمی و غیر رسمی رایج شده است - به کودک تحمیل نگردد؛ زیرا این امر، به جای آنکه در تربیت دینی و رشد علائق مذهبی کودک موثر باشد، آثار و پیامدهای منفی، از جمله: دوری و جدایی کودک از بازی و

آزادی، کاهش اشتباهات روانی کودک نسبت به آموزش‌های مذهبی و قرآنی، و کاهش انگیزه و میل او نسبت به انس و یادگیری قرآن و مفاهیم دینی پس از دوران بلوغ را به دنبال دارد. علاوه بر آن، غالب برنامه‌های آموزشی امروزه، مبتنی بر حفظ و قرائت قرآن است که اصولاً با هدف نزول قرآن و سیره‌ی رسول خدا(ع)، ائمه‌ی اطهار(ع) و اصحاب آنان که فراگیری معانی و مفاهیم قرآن است، سازگار نمی‌باشد.

۶. هفت سال سوم

این دوره در سخنان رسول خدا(ص) دوره‌ی مشورت، هم‌رأیی و همراهی بین والدین و فرزند است. به فرزند در این دوره، عنوان «وزیر» مشتق شده است که به معنای پناهگاه و یا کوهی است که بدان پناه می‌برند تا از هلاکت نجات یابند. بنابراین، وزیر خلیفه کسی است که به رأی و نظر او در کارها، تکیه شود و یا به او پناه برده شود و وزیر پادشاه کسی است که «وزر» و سنگینی و دشواری تدبیر امور مملکت را از دوش پادشاه بر می‌دارد. (حرعاملی، ۱۳۶۷، ج ۱۵، ص ۱۹۴-۱۹۵).

بنابراین، اگر رسول خدا(ص) فرزند را در هفت سال سوم زندگی، یعنی از چهارده تا بیست و یک سالگی، وزیر نسبت داده است، از این روست که باید در تدبیر کارها و امور، مورد تکیه و مشورت قرار گیرد او در این سنین به مرحله‌ای رشد رسیده است که می‌تواند بخش از دشواری‌ها و سنگینی‌های اداره امور مربوط به خانواده را از دوش والدین و حتی دیگران بردارد. بنابراین، نوع نگرش والدین و اطرافیان نسبت به نوجوانان و تأیید او در این دوره از اهمیت بسیاری برخوردار است، زیرا ویژگی این دوره، «احساس هویت در برابر گم‌گشتگی نقش» است و نوجوانان در حال رشد و پیشرفت که به زودی با وظایف ملموس مربوط به بزرگان رو به رو خواهند شد، نگران این هستند که در مقایسه با احساسی که از خود دارند، در چشم دیگران چگونه به نظر می‌رسند. (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۵، ص

اصول تربیت دینی فرزندان

در اینجا سعی بر آن شده که اصول اساسی در تربیت فرزند در سیره رسول خدا (ص) مورد توجه آن حضرت بوده است مورد بررسی قرار می‌گیرد، قبل از اینکه وارد بحث اصول شویم دو نکته مهم قابل توجه است:

۱- با توجه به محدودیت موضوع مقاله - سیره تربیتی پیامبر اکرم (ص) - بحث این اصول، بحث کاملی نیست و همه اصول تربیت دینی فرزندان در سیره رسول خدا (ص) مطرح نمی‌شود.

۲- نکته دوم اینکه این اصول مختص به مرحله خاص نمی‌شود، بلکه شامل تمام مراحل تربیتی می‌شود.

اول - اصل آزادی

در روایات منقول از پیشوایان دینی (ع) اصول را در تربیت دینی فرزند بیان شده است یکی از آن اصول، اصل آزادی است. امام صادق (ع) در بیان اهمیت این اصل می‌فرماید: «فرزندت را تا هفت سال رها بگذار تا بازی کند و (پس از آن) هفت او را تعلیم و تربیت کن. (حر عاملی، ۱۳۶۷، ج ۱۵، ص ۱۹۴)

پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «فرزند هفت سال اول سرور آنهاست، هفت سال دوم خدمتگزار مطیع و هفت سال سوم وزیر و مشاور است.» (متقی، ۱۴۰۹، ج ۱۶، ص ۴۴۲). مفهوم آزادی در این دوره آن است که نباید کودک را زیر فشار قرار دهند و کاری به او محول کنند که در وسع و توان او نباشد. نیز نباید مقهور و مورد خشم و غضب والدین قرار گیرد. البته به این معنا نیست که کودک کاملاً رها باشد و به هر کاری دست بزند و غیر مستقیم تحت کنترل نباشد. (صانعی، ۱۳۷۸، ص ۱۳۲۲).

رسول خدا (ص) در تأیید این اصل فرموده است: «خدا رحمت کند کسی را که فرزندش را بر انجام کار نیک یاری دهد. سوال شد که والدین چگونه این کار را انجام دهند؟ حضرت فرمود: آنچه را در حد توانایی انجام می‌دهد بپذیرند (بیش از توانمندی وی از او انتظار نداشته باشند) و از آنچه برای کودکان دشوار است صرف نظر کنند» (حرعاملی، ۱۳۶۷، ج ۱۵، ۱۹۹).

دوم- رعایت مساوات و پرهیز از تبعیض

یکی از اصول مهمی که باید در تربیت فرزندان مورد توجه قرار گیرد رعایت برابری و مساوات در برخورد با آنهاست ولی ممکن است این پرسش مطرح شود که اگر رعایت مساوات لازم است، چگونه می‌توان بین آنها تشویقی که امروزه آن را یک عامل تأثیرگذار در تربیت می‌دانند، جمع کرد؟ آیا این دو باهم سازگاری دارند و بین آنها تعارض وجود ندارد؟ در پاسخ این سوال باید گفت که سیره پیامبر اکرم(ص) در این زمینه بیانگر رعایت مساوات بین فرزندان دختر و پسر و تفاوت نگذاشتن بین آنها، به ویژه در ابراز محبت و اهدای هدیه است.

به این سیره بنگرید: «پیامبر اکرم(ص) در حال سخن گفتن با یاران خود بود، کودکی وارد شد و به طرف پدر خویش که درکنار جمعیت بود رفت، پدر دستی بر سر او کشید و او را بر زانوی راست خود نهاد، اندکی بعد دختر آن وارد شد و نزد پدر رفت، پدر دستی بر سر او کشید و او را در کنار خویش بر زمین نشاند پیامبر(ص) که برخورد دوگانه پدر را مشاهده کرد فرمود: چرا او را بر زانوی دیگر خود نشاندی؟ پدر او را بر زانوی خود نهاد. در این هنگام پیامبر فرمود: اکنون عدالت را رعایت کردی» (ابن ابی الدنیا، بی تا، ج ۱، ص ۱۷۳)

در روایت دیگری می‌فرماید: «تقوای خدا پیشه کنید و بین فرزندان به مساوات رفتار کنید، اگر دوست دارید به شما نیکی کنند» متقی، ۱۴۰۹، ج ۱۶، ص ۴۴۵.

و نیز می‌فرماید: «خداوند متعال دوست دارد بین فرزندان به مساوات رفتار کنید، حتی در بوسیدن» (همان)

آنچه که از این روایات به خوبی استفاده می‌شود که رعایت مساوات مربوط به فرزندان است، نه سایر کودکان و دانش آموزان مدارس، زیرا روایات و سیره پیامبر(ص) تنها بر عدالت و مساوات بین فرزندان تأکید دارد. علاوه بر اینکه بین دانش آموزان، چندان زمینه و توقع مساوات و برابری وجود ندارد، بلکه آنها می‌پذیرند که باید براساس کار و تلاششان بین آنها تفاوت وجود داشته باشد، البته در مورد آنها در مواردی مانند محبت کردن که دلیلی بر تبعیض و تفاوت نباید فرق گذاشت، زیرا از این لحاظ تفاوتی بین دانش آموزان وجود ندارد و آنها چنین تفاوتی را نمی‌بینند. اما در مواردی که تفاوت برای آنها قابل درک است باید از

تشویق‌های لازم به عنوان محرک برای تلاش و کوشش بیشتر آنها استفاده کرد که این مقتضای پاداش نیکوکار و جزای بدکار است.

۳- اصل نظارت و مراقبت

اصل نظارت و مراقبت یکی از بهترین و موثرترین اصول در روند تربیت انسان‌ها به حساب می‌آید که نسبت به فرزندان، کودکان و نوجوانان بیش از همه طیف‌ها تأثیرگذار است زیرا تربیت کودک و نوجوان مانند یک گل و نهال است که نیاز به مراقبت دارد و اگر کسی بخواهد یک گل و یا یک نهال را به درستی پرورش دهد، باید از آن به دقت و با رعایت مقررات پرورش این گونه پدیده‌های طبیعی به آن رسیدگی کند و آنها را در موقع مناسب آب بدهد و شاخ برگهای زاید را حذف کند، تا در نتیجه این پرورش و مراقبت، گل و نهال به ثمر برسد طراوت و شادابی یابد، امر تربیت، نیاز به مدیریت، برنامه ریزی، هدایت و کنترل صحیح دارد، و بدون برنامه ریزی و اصول، نمی‌تواند، فرزندان، کودکان و نوجوانان را درست تربیت کرده در همین زمینه قرآن کریم می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خودتان و خانواده تان را از آتش جهنم که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌ها هستند، حفظ نمایید»

این آیه از غرر آیات تربیت خانوادگی است و پشتوانه محکمی برای بسیاری از مسئولیت‌های والدین در تربیت فرزند به شما می‌رود. همان گونه که صدر آیه (قوا انفسکم) نیز به حوزه اخلاق و تربیت مرتبط است و پشتوانه استواری برای مباحث «خودسازی» به شمار می‌رود. همچنین پیامبر اکرم (ص) تربیت فرزند را از وظایف والدین و حقوق فرزندان می‌داند، در سفارش پیامبر (ص) به امیرالمومنین (ع) این است که فرمود: «حق فرزند بر پدرش این است که نام نیک براو بگذارد و وی را نیکو تربیت کند و او را موضوع (در کاری شایسته) بگمارد» (حرعاملی، ۱۳۶۷، ج ۵، ص ۱۲۳).

نتیجه گیری:

اصول و مراحل تربیت در سیره پیامبر اکرم(ص) برچند قسم تقسیم می شود:

- ۱- مرحله اول مثل انتخاب همسر، مباشرت و دوران جنینی
 - ۲- مرحله دوم بعد از تولد تا دوران شیر خواری مانند اذان و اقامه گفتن در گوش کودک، نام گذاری، عقیقه و نقش شیر مادر در تربیت فرزند.
 - ۳- مرحله سوم اصول تربیت، در سیره پیامبر اکرم(ص) همانند اصل آزادی، مراقبت و نظارت و رعایت مساوات و پرهیز از تبعیض
- دو دسته آثار برای این اصول و مراحل مترتب است: یک دسته آثار جسمی و دیگر آثار روحی و روانی.

با توجه به این دو دسته آثار می توان این اصول و مراحل را به سه دسته تقسیم کرد:

الف) دسته اول: اصول و مراحل که غالباً دارای آثار جسمانی اند مثل شیر مادر و بازی کودکان که آثار این دو برکسی پوشیده نیست. پزشکان امروز، آثار جسمانی فراوان شیر مادر و بازی را بر تربیت کودک مترتب می دانند و به مادران و پدران توصیه می کنند که باید مادر فرزند خود را شیر دهد و به هیچ عنوان از شیردادن منع نمی کنند مگر در مورد خاصی و در سیره رسول اکرم در همین زمینه اشاره شده است.

ب) دسته دوم: اصول و مراحل است که غالباً دارای آثار روحی و روانی اند؛ اصول و مراحل از قبیل اذان و اقامه گفتن در گوش کودک، انتخاب نام نیک، مساوات و مراقبت و نظارت را می توان از این دسته دانست.

ج) دسته سوم: اصول و مراحل که هر دو از آثار ذکرشده و آثار جسمانی، روحی و روانی را دارد مانند دقت در انتخاب همسر، مباشرت و عقیقه را نیز می توان جزء این دسته به حساب آورد.

همسر از دو جهت می تواند در تربیت فرزند موثر باشد، یکی از حیث وراثت که خود می تواند، شامل آثار جسمانی و روانی باشد و دیگر از حیث محیط و تربیت کودک، عقیقه

علاوه بر اینکه موجب صحت و سلامت کودک اند در تقویت روح و تقرّب کودک به خدا نیز موثرند. ممکن است نوع کیفیت تأثیر برخی از اصول و مراحل تربیت بر ما روشن نباشد، ولی اصل تأثیر آنها بر کودک (تأثیر جسمانی یا روانی) در سیره پیامبر (ص) انکار ناپذیر است. در گذشته نوع چگونگی برخی دیگر از این اصول و مراحل نظیر اذان و اقامه، مباشرت و بر ما پوشیده بود، ولی اکنون با پیشرفت علم، جنبه هایی از تأثیر و چگونگی بعضی از آنها روشن شده است.

کتابنامه

- قرآن کریم، ترجمه آیهی مکارم شیرازی.
- نهج الفصاحه کلمات قصار رسول اکرم(ص)، ترجمه انصاریان، ۱۳۷۹.
- ابن ابی الدنيا، کتاب العیال، ج ۱، دمشق، دار ابن لقیم، السعودی، چاپ اول، ۱۴۱۰.
- ابن شعبه الحرانی، حسن بن علی بن الحسین، تحف العقول من آل الرسول ترجمه آیت الله کمره‌ای، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۹.
- ابن منظور، لسان العرب، ج ۵، چاپ سوم، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۳.
- اصول کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه ۱۴۱۳ ق.
- برقعی، احمد بن محمد بن خالد، محاسن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۰.
- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۱۴ و ۱۵، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷ ش.
- حسینی زاده، سید علی، سیره تربیتی پیامبر(ص) و اهل بیت جلد اول، چاپ سوم، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه ۱۳۸۲ ش.
- دروزه، محمد عزه، عصرالنبی، و بیئته قبل البعثه، چاپ دوم، بیروت، دارالبقطه العربیه، ۱۹۶۴ م.
- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، ج ۱۴، شماره مسلسل، تهران: انتشارات و چاپ دانشگاه تهران ۱۳۳۵ ش.
- سادات، محمد علی، راهنمای پدران و مادران، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی ۱۳۷۲.
- سلیمی، محمد بن مسعود، ابن عیاش، تفسیر عیاش، ج ۲، تهران: المکتبه العلمیه

الاسلامية ۱۳۶۳.

سیف، سوسن و دیگران، روان شناس رشد، تهران: سمت ۱۳۸۲.

شریعتمداری، علی، روان شناسی تربیتی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۵.

صانعی، سید مهدی، پژوهش در تعلیم و تربیت اسلامی، (بی جا)، سناباد، ۱۳۷۸.

صدوق، محمد بن علی بن الحسین بن بابویه القمی من لا یحضره الفقیه، ترجمه علی اکبر غفاری، چاپ اول، تهران: ۱۳۶۸ ش.

طباطبائی، سید محمد حسین، آداب زندگی پیامبر (سنن النبوی)، چاپ چهارم، قم، همگرا (بی تا).

الطبرس، رضی الدین ابانصر حسن بن فضل مکارم الاخلاق، موسسه الاعلمی، ۱۳۹۲ ق. طوسی، ابی جعفر، محمد، اختیار معرفة الرجال، المعروف برجال الکشی، تحقیق سید مهدی رجائی، قم، موسسه آل بیت، ۱۴۰۶.

فیض کاشانی، محجة البیضاء فی تهذیب الاحیاء، ج ۳، قم، چاپ دوم، انتشارات اسلامی، ۱۴۰۲.

فیض کاشانی، محسن، تفسیر صافی، ج ۳، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات ۱۴۰۲ ق. قمی، شیخ عباس، منتهی الامال، قم، هجرت، ۱۳۶۹.

کریمی نیا، محمد علی، الگوهای تربیت اجتماعی، چاپ اول، قم، پیام مهدی، ۱۳۷۲. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۶ و ۵، ترجمه محمد باقر کمره‌ای، تهران، انتشارات اسوه، ۱۳۸۱ ش.

کلینی، محمد بن یعقوب، فروع الکافی، ج ۶ و ۵، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات سال ۱۴۱۳.

متقی هندی، علاءالدین حسام الدین، کنز العمال، ج ۱۶، بیروت، موسسه الرساله، ۱۴۰۹.

مراحل تربیت دینی فرزندان با تأکید بر سیره قولی و عملی پیامبر اکرم(ص) □ ۳۷

مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت مؤسسه الوفاء ۱۴۰۳ ق.

محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمة، قم: دفتر تبلیغات اسلامی ۱۳۶۳ ش.

مظلومی، رجبعلی، گامی در مسیر تربیت اسلامی، تهران: آفاق ۱۳۶۶ ش.

مفید، محمد بن نعمان، الارشاد، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، چاپ دوم، از ویراس

جدید در دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰ ش.

نوری الطبرسی، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، چاپ دوم، بیروت: مؤسسه آل البيت

لاحیاء التراث، ۱۴۰۹ ق.

